

معرفی مآخذ اشعار فارسی کتاب شرفنامه بدلیسی

یداله محمدی^۱؛ سید احمد پارسا (نویسنده مسؤل)^۲

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۷ دی ۱۴۰۰؛ صص. ۱۰۹-۱۳۳

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2022.813>

چکیده

کورتیه

شهره‌فنامه به کینک له ده‌قه میژوویی-ویژده‌بیه‌کانی په‌خشانای فارسییه و به کینک له تاییه‌تمه‌ندییه به‌رچاوه‌کانی بریتییه له تیکه‌لکردنی میژوو و هه‌لبه‌ست. بدلیسی له شهره‌فنامه‌دا ۵/۵۵۴ دیر شیعی هیئناوه؛ به‌لام ته‌نیا به‌ناوی هۆنهری ۱۴۸ دیر (۶۹/۲۶ له‌سه‌د) ناماژدی کردووه. به‌م پییه هۆنهری ۴۰۶/۵ دیر (۳/۷۳ له‌سه‌د) له شیعه‌کانی شهره‌فنامه نادیاره. نامانجی سه‌ره‌کیی ئەم لیکۆلینه‌وه‌یه، دیاریکردنی سه‌رچاوه‌ی ئەم شیعرانه و ده‌ستنیشان‌کردنی به‌لگه‌گه‌لی پێویسته بۆ سه‌لماندنی ئەو راستیییه. رێبازی لیکۆلینه‌وه‌که وه‌سفی-شیکارانیه و داتاگان به‌شیوه‌ی په‌رتوو‌کخانه‌یی و پشکنینی به‌لگه‌ کو‌کراونه‌ته‌وه و به‌به‌کاره‌ینانی رێبازی شیکاری ناوه‌رۆک تو‌یژینه‌وه‌یان له سه‌ر کراوه و له‌گه‌ل ته‌ئریخی به‌بیه‌قی و نه‌فسه‌تولمه‌سه‌ورر تاوتوی و به‌راورد کراون. به‌کینک له ده‌سکه‌وته‌کانی لیکۆلینه‌وه‌ی به‌رده‌ست، دیاریکردنی سه‌رچاوه‌ی ۱۸۷ دیری دیکه (۷۲/۳۳ له‌سه‌د) له شیعه‌کانی شهره‌فنامه و پیشاندانی سه‌رچاوه‌کانیانه. به‌م چه‌شنه ژماره‌ی ئەو دیرانه‌ی شهره‌فنامه که سه‌رچاوه‌یان بۆ خوینه‌ران به‌ناسراو دیتته ئەژمار، ده‌گاته ۳۳۵ دیر (۴۱/۶۰ له‌سه‌د). به‌م هۆیه‌وه پیشاندانی هۆنهری ۳۳/۷۲ له سه‌دی ئەو هۆنراوانه که هۆنهره‌کانیان تا پیش ئەم لیکۆلینه‌وه‌یه نه‌ناسراو بوون، ده‌سکه‌وتی نوینی ئەم وتاره‌یه. ئەنجامی ئەم لیکۆلینه‌وه‌ هه‌روه‌ها پیشان ئەدات شه‌ره‌ف خان بۆ دۆزینه‌وه‌ی ئەم ۳۳۵ دیره، لانی‌که‌م له دیوان و هۆنراوه‌ی ۴۴ شاعیر که‌لکی وه‌رگرتووه. به‌م پییه لیکۆلینه‌وه‌ی به‌رده‌ست، سه‌ره‌رای ده‌ستنیشان‌کردنی سه‌رچاوه‌ی هۆنراوه‌کانی نیو شهره‌فنامه، به‌ربلا‌وبوونی ناستی موتالا و به‌رزبوونی ناستی زانیاری و لیوانلی‌بوونی میشکی شه‌ره‌ف خان له زانست پیشان ئەدات.

شرفنامه یکی از متون تاریخی - ادبی نثر فارسی است و یکی از ویژگی‌های بارز آن همراه ساختن تاریخ با شواهد شعری است. بدلیسی در شرفنامه ۵۵۴/۵ بیت شعر آورده؛ ولی تنها به نام سراینده ۱۴۸ بیت (۶۹/۲۶ درصد) اشاره کرده‌است؛ بنابراین سراینده ۴۰۶/۵ بیت (۳/۷۳ درصد) از اشعار شرفنامه معلوم نیست. هدف پژوهش حاضر تعیین مآخذ این ابیات و ارائه مستندات لازم است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و سندکاوی با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی و از لحاظ آماری با تاریخ بیهقی و نقشه‌المصدر مقایسه شده‌اند. یکی از یافته‌های پژوهش حاضر، دستیابی نگارندگان به مآخذ ۱۸۷ بیت دیگر (۷۲/۳۳ درصد) از اشعار شرفنامه و معرفی منابع آن‌هاست. بدین ترتیب شمار ابیات شرفنامه که منبع آن‌ها برای خوانندگان شناخته‌شده تلقی می‌گردد، به ۳۳۵ بیت (۴۱/۶۰ درصد) می‌رسد؛ از این رو معرفی سراینده ۳۳/۷۲ درصد از سروده‌های بی‌مآخذ شرفنامه را می‌توان نوآوری این مقاله دانست. نتیجه همچنین نشان می‌دهد شرفخان برای یافتن این ۳۳۵ بیت، دست‌کم از دیوان‌ها و اشعار ۴۴ شاعر بهره گرفته‌است. بنابراین پژوهش حاضر، علاوه بر معرفی منابع و مآخذ اشعار شرفنامه، وسعت دامنه مطالعات و کثرت اطلاع و پرمایگی شرفخان را نیز نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: شرفنامه بدلیسی؛ امیر شرفخان؛ اشعار؛ شاعران؛ مآخذ.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: شهره‌فنامه‌ی بدلیسی؛ ئەمیر شه‌ره‌ف خان؛ هه‌لبه‌ست؛ شاعیران؛ سه‌رچاوه.

۱- مقدمه

شرفنامه از جمله آثار منشور دوره صفوی/ عثمانی به زبان فارسی است که امیر شرف‌خان بن شمس‌الدین بدلیسی (۹۴۹ - ۱۰۱۰ هـ ق.) آن را در سال ۱۰۰۵ هـ ق. در دو جلد نوشته است. شرف‌خان بدلیسی، پدر تاریخ‌نگاری گرد، این اثر را در درجه اول برای معرفی تاریخ عمومی گرد، پس از اسلام نوشته است؛ اما ظاهراً برای خوشامد سلطان وقت عثمانی، جلد دومی نیز با عنوان «خاتمه»، در بیان احوال سلاطین آل عثمان و پادشاهان معاصر آن‌ها در ایران و توران بدان افزوده است که به نظر غالب پژوهشگران *شرفنامه*، گیرایی و زیبایی جلد اول را ندارد؛ زیرا خواسته قلبی او نبوده است (ر. ک. بدلیسی، ۲۰۱۷ ج ۱: ۲۹). از ویژگی‌های برجسته ادبی *شرفنامه* می‌توان به داشتن سجع، استفاده از آیه یا عبارت و ترکیب قرآنی به عنوان مشبّه در ساختار تشبیه، استشهاد به آیات و احادیث و استفاده فراوان از اشعار فارسی یا عربی اشاره کرد. وجود شعرهای بسیار در این متن، کتاب را به یک نوشته ادبی بیشتر نزدیک کرده است، در حالی که از بار تاریخی و صداقت اثر نکاسته است. هدف نگارندگان پژوهش حاضر، شناسایی و ذکر مآخذ و معرفی گویندگان آن دسته از اشعار *شرفنامه* است که مؤلف به نام گوینده آن‌ها اشاره نکرده است.

اکثر تصنیفات منشور فارسی، اعم از تاریخی (*تاریخ بیهقی*، *نقشه‌المصدر*، *تاریخ جهانگشا*، *تاریخ و صاف و درّه نادره*)، ادبی (*کلیده‌ودمنه*، *مرزبان‌نامه* و *مقامات حمیدی*) و عرفانی (*کشف‌الاسرار*، *مرصادالعباد* و *مصباح‌الهدایه*) به دلایل مختلف، در نثر خود از شعر فارسی و عربی سود برده؛ ولی غالباً از شاعر، نامی نبرده‌اند؛ از این رو بخشی از تلاش مصححان آثاری چون *نقشه‌المصدر*، *کلیده‌ودمنه*، *مرصادالعباد*، *تاریخ جهانگشا* و ... صرف یافتن منابع و مآخذ این اشعار بی‌مآخذ شده است. *شرفنامه* در اصل کتابی تاریخی است و در پژوهش‌های تاریخی بسیار به آن استناد شده است و به دلیل جنبه ادبی آن، ادیبان نیز در آن تحقیق و پژوهش می‌کنند. مصحح روسی *شرفنامه*، ولیامینوف زرنوف، نسبت به معرفی گویندگان اشعار و منابع و مآخذ آن‌ها هیچ اهمیتی نداشته است و بعد از او نیز هیچ پژوهشی در این زمینه انجام نشده است؛ در حالی که به دلیل بسامد بالا، توجه به اشعار فارسی *شرفنامه* ضروری است و یافتن مآخذ آن‌ها برای پی‌بردن به منابع و مآخذ مورد مطالعه و استناد نویسنده، نگرش او به تاریخ، وسعت اطلاعات او، تصحیح تصحیفات، رفع اشکالات ضبط در مآخذ یادشده، رفع شائبه انتساب همه اشعار به مؤلف و مواردی از این دست اهمیت دارد.

بدلیسی در *شرفنامه* ۲۳۴ قطعه شعر آورده است که تنها ۲ مورد آن عربی و ۲ مورد نیز ترکی است. مجموع ابیات عربی و ترکی *شرفنامه* - با وجود تسلط کامل شرف‌خان به این دو زبان - ۸/۵ بیت و تعداد ابیات فارسی این اثر ۵۴۶ بیت است. این نکته آشکارا نشان می‌دهد که شرف‌خان به استفاده از اشعار فارسی گرایش بیشتری داشته است. از نظر توالی ابیات، بیشترین موارد، تک‌بیت (مفرد) هستند؛ یعنی ۸۷ شعر تک‌بیتی در *شرفنامه* وجود دارد. فقرات دو‌بیتی با تعداد ۷۰ مورد و سه‌بیتی با تعداد ۲۵ مورد در رده‌های دوم و سوم قرار دارند. تعداد فقرات بالای ۵ بیت نیز کلاً ۱۲ مورد است. موضوع قابل توجه دیگر تعداد ابیات موجود در یک اثر منشور و درصد ناشناختگی منابع آن‌هاست. در *مرصادالعباد* گوینده ۳۳/۴ درصد و در *کلیده‌ودمنه* گوینده ۳۴/۵ درصد ناشناخته

است؛ ولی در شرفنامه سرایندگان ۷۳/۳۰ درصد اشعار ناشناخته‌اند. به نظر می‌رسد چنین آماری از اشعار بی‌مأخذ برای کلیله‌و‌دمنه و مرصادالعباد دور از ذهن نیست (ر.ک. کاردگر و گلابیان، ۱۳۹۸: ۱۷۸)؛ ولی برای شرفنامه کاملاً دور از ذهن است؛ زیرا بیش از دو برابر مرصادالعباد یا کلیله‌و‌دمنه است. با انجام پژوهش حاضر، آمار اشعار بی‌مأخذ شرفنامه از ۷۳/۳۰ درصد، به ۳۹/۵۹ درصد کاهش یافته و از این لحاظ تا حدّ زیادی به مرصادالعباد و کلیله‌و‌دمنه نزدیک گشته‌است. در بخش پایانی این پژوهش، اشعار شرفنامه از لحاظ آماری با تاریخ بیهقی و نقشه‌المصدر مقایسه شده‌است.

۲- مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

هدف اصلی پژوهش حاضر، ذکر مأخذ سروده‌های فارسی شرفنامه بدلیسی و نام گویندگان آن‌هاست. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و سندکاوی با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شده‌اند. پژوهش در زمینه ذکر مأخذ اشعار موجود در آثار مشهور فارسی، بیش از ۵۰ سال قدمت دارد. به نظر می‌رسد اولین تلاش در این زمینه، چهار مقاله با عنوان «مأخذ ابیات عربی مرزبان‌نامه»، اثر احمد مهدوی دامغانی باشد که در شماره‌های ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰ و ۲۱۷ مجله یعما در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ هـ. ش. به چاپ رسیده‌است. مهدوی دامغانی در آن چهار مقاله، ۲۹ شعر عربی مرزبان‌نامه و منبع آن‌ها را معرفی کرده بود. دومین پژوهش، «مأخذ اشعار عربی تاریخ بیهقی و معرفی گویندگان آن‌ها»، اثر ابوالقاسم حبیب‌اللهی است که در کنگره هزاره بیهقی در شهریور سال ۱۳۴۹ هـ. ش. در دانشگاه فردوسی مشهد ارائه شده‌است. در این مقاله تنها مأخذ ۱۰ مورد (۱۷/۵ بیت) از اشعار عربی بی‌مأخذ تاریخ بیهقی تعیین شده‌است. پژوهش دیگر، مقاله «مأخذ ابیات و عبارات عربی مقامات حمیدی»، اثر سید مرتضی حسینی و عباس گنجعلی است که در تابستان ۱۳۹۲ در شماره ۵۶ فصلنامه متن‌پژوهی ادبی دانشگاه علامه طباطبایی به چاپ رسیده‌است. نویسندگان این مقاله تصریح نموده‌اند که در مقامات حمیدی ۲۹۸ بیت یا عبارت عربی وجود دارد؛ ولی در خود مقاله، مأخذ ۱۸ مورد مشخص شده‌است که تنها ۵ مورد آن شعر و ۱۳ مورد دیگر، آیه یا حدیث است و بدیهی است که مأخذ آیه و حدیث به آسانی به دست می‌آید. «مأخذ اشعار عربی جلد چهارم تاریخ و صاف»، اثر علیرضا حاجیان‌نژاد، پژوهش دیگری است که در بهار ۱۳۹۵ در شماره ۵۹ نامه فرهنگستان منتشر شده‌است. این مقاله به معرفی مأخذ ۹۷ فقره از اشعار عربی تاریخ و صاف پرداخته‌است. البته قبلاً کتابی در زمینه شواهد تاریخ و صاف نگاشته شده بود و بیشترین استناد مؤلف مقاله، بدان اثر است (ر.ک. حاجیان‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۱-۵۷). جدیدترین پژوهش در این زمینه، مقاله «پیوندهای محتوایی و معنایی ابیات تضمین‌شده کلیله‌و‌دمنه با متن»، اثر یحیی کاردگر و اکبر گلابیان است که در تابستان ۱۳۹۸ در شماره ۴۵ نشریه نشرپژوهی ادب فارسی چاپ شده‌است. البته این مقاله پیوند ابیات فارسی و عربی را با متن کلیله‌و‌دمنه بررسی کرده،

نه مآخذ آن‌ها را. در مجموع می‌توان گفت اغلب این مقالات به معرفّی مآخذ ابیات عربی در متون نثر فارسی پرداخته‌اند و ارتباطی با اصل موضوع پژوهش حاضر ندارند. از آنجاکه در شرفنامه تنها ۲ مورد شعر عربی و ۲ مورد شعر ترکی وجود دارد که شرف‌خان نام سراینده هر ۴ مورد را معلوم کرده‌است، پژوهش درباره معرفّی سراینندگان اشعار عربی یا ترکی شرفنامه موضوعیت ندارد. از این رو، پژوهش حاضر به معرفّی منابع سروده‌های فارسی شرفنامه پرداخته‌است که سراینندگان ۷۳/۳۰ درصد آن‌ها ناشناخته‌اند. لذا باید گفت موضوع این پژوهش در هیچ اثر دیگری بررسی نشده و موضوعی بکر و بدیع محسوب می‌شود.

۳- بحث و بررسی

در این پژوهش ابتدا به شاعرانی پرداخته می‌شود که بیشترین اشعار بی‌مآخذ شرفنامه از آثار آن‌ها نقل شده‌است.

۳-۱- نظامی

شرف‌خان ۷۳ بیت را از پنج‌گنج نظامی در شرفنامه نقل کرده؛ ولی مآخذ هیچ کدام از این ۷۳ بیت را به دست نداده‌است. فقط یک بار در جلد اول شرفنامه نوشته‌است: «چنانچه استاد می‌گوید» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۱۱). شاید - همان گونه که از لفظ استاد استنباط می‌شود - دلیل اشاره نکردن به نام این سراینده بزرگ، اشتهار نظامی در بدلیس در زمان زندگی بدلیسی باشد.

۳-۱-۱- مخزن‌الاسرار

۱- آن خور و آن پوش چو شیر و پلنگ
کآوری آن را همه روزه به چنگ

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۱۹۷)

این بیت از «مقاله پنجم» مخزن‌الاسرار با عنوان «در وصف پیری» اخذ شده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۴۶).

۲- کار به دولت، نه به تدبیر ماست
تا به جهان، مایه دولت کراست

مرد ز بی‌دولتی افتد به خاک
دولتیان را به جهان در چه باک؟

مُلک به دولت نه مجازی بُود
دولت، کس را نه به بازی بُود

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۱۸۹ - ۱۹۰)

این ابیات از «مقاله شانزدهم» با عنوان «در چابک‌روی» اخذ شده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۷۶).

۳- شُکر که این نامه به عنوان رسید
پیش‌تر از عمر به پایان رسید

مُهَر نه خاتمه این کتاب
شد رقم: «خاتم تم‌الکتاب»

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/۳۰۸)

بیت اول این شعر از نظامی است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۸۹). مآخذ بیت دوم پیدا نشد. نگارندگان احتمال

می‌دهند این بیت سروده خود شرف‌خان باشد؛ زیرا شرفنامه با این بیت پایان می‌یابد.

۳-۱-۲- خسرو و شیرین

۴- بَرُو یک جرعه می هم‌رنگِ آزر گرامی‌تر ز خون صد برادر
 ببخشد کشوری بر بانگِ رودی ز مُلکی دوست‌تر دارد سرودی
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۳۶/۱)

بدلیسی این ابیات را از منظومه خسرو و شیرین، داستان «گریختن خسرو از بهرام چوبین»، برگزیده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۸۷).

۵- اگر شادی، اگر غمگین، درین دیر نه‌ای ایمن ازین دیرِ کهن‌سیر
 چو می‌بایدش‌دن زین دیر، ناچار نشاط از غم به و شادی ز تیمار
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۸۱/۱ - ۳۸۲)

شرف‌خان این ابیات را از داستان «اندرز و سوگند دادن مهین‌بانو شیرین را» برگزیده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۹۲).

۶- چه باید زهر در جامی نهادن ز شیرینی برو نامی نهادن؟
 جهان نیمی ز بهرِ شادکامیست دگر نیمی ز بهرِ نیک‌نامیست
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۳/۱)

نویسنده شرفنامه این دو بیت را از بخش «مرادطلبیدن خسرو از شیرین و مانع شدن او» برگرفته‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۲۰۱ و ۲۰۵).

۷- هر آن فالی که از بازیچه برخاست چو اختر می‌گذشت، آن فال شد راست
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۸۴/۱)

این بیت نیز از همان بخش برگرفته شده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۲۰۳).

۸- چنین است آفرینش را ولایت که باشد هر بدایت را نهایت
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۴/۱)

بدلیسی این بیت را از بخش «وصیت کردن مهین‌بانو شیرین را» اخذ کرده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۲۱۷).

۹- مباحش ایمن که این دریای پرجوش نکرده‌است آدمی خوردن فراموش
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۱۸/۱)

این بیت نیز از بخش «وصیت کردن مهین‌بانو شیرین را» اخذ شده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

۱۰- کسی کو با کسی بدساز گردد بدو روزی همان بد، بازگردد
 به چشم خویش دیدم بر گذرگاه که زد بر جان موری، مرغکی راه
 هنوز از صید منقارش [ن]پرداخت که مرغ دگر آمد، کار او ساخت
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۷۶/۱)

بیت اوّل از «تعزیت‌نامه خسرو به شیرین به افسوس» (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۲۵۷) و دو بیت بعد از بخش «اندرز و ختم کتاب» (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۳۵۹) انتخاب گردیده‌است.

۳-۱-۳- لیلی و مجنون

۱۱- انگار که هفت سبعه خواندی یا هفت هزار سال ماندی
چون قامت ما برای غرقست کوتاه و دراز را چه فرقت؟
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۱۹/۱ - ۳۲۰)

شرف‌خان این دو بیت را از منظومه خسرو و شیرین، بخش «یادکردن بعضی از گذشتگان خویش»، برگزیده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۴۶۶).

۱۲- گردی خرکی به کعبه گم کرد در کعبه دوید و اُشْتَلُم کرد
کین بادیه را چه ره دراز است! گم کردنِ خر ز من چه راز است؟
این گفت، چو گرد بازپس دید خر دید و چو دید خر، بخندید
گفتا: خرم از میانه گم بود وایافتنش ز اُشْتَلُم بود
گر اشتلمی نمی‌زدی گم کرد خر می‌شد و بار نیز می‌برد
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۱۱/۱)

این ابیات نیز از منظومه خسرو و شیرین، بخش «یادکردن بعضی از گذشتگان خویش»، برگزیده‌شده‌اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۴۶۶).

۱۳- متواری راه دلنوازی زنجیری کوی عشق‌بازی
طَبَالِ نَفیرِ آهِنینِ کوس رهبانِ کلیسایِ افسوس
کیخسرو بی‌کلاه و بی‌تخت دل‌خوش‌کنِ صد‌هزار بدبخت
قانونِ مَغْنیانِ بغداد بیاعِ معاملانِ بی‌داد
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۶/۱)

ابیات یادشده از بخش «در صفت عشق مجنون» اخذ شده‌اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۴۷۴).

۱۴- گر صبر کنی، ز صبر بی‌شک دولت به تو آید اندک‌اندک
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۸۳/۱)

بدلیسی این بیت را از بخش «پند دادن پدر، مجنون را» برگزیده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۴۸۸).

۱۵ و ۱۶- دولت همه از اتّفاق خیزد بی‌دولتی از نفاق خیزد
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۶۸/۱)

این بیت از داستان «مصاف کردن نوفل بار دوم» اخذ شده است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۵۰۶). همین بیت پس از نود صفحه، بار دیگر در شرفنامه تکرار شده است (ر.ک. بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۷/۱)؛ از این رو در پژوهش حاضر دو مورد محسوب گشته است.

۱۷- او رفت و گذشت از این گذرگاه و آن کیست که نگذرد از این راه؟
 راهیست عدم که هر که هستند از آفت تیغ او نرستند
 جاوید بهشت جای یادش! جا در حرم خدای بادش!
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۴۶/۱)

دو بیت آغازین این شعر از داستان «وفات مجنون بر روضه لیلی» گرفته شده است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۵۷۴)؛ ولی بیت سوم در لیلی و مجنون مطبوع دیده نشد.

۳- ۱- ۴- هفت پیکر

۱۸- مرد آن به که دیر یابد کام لعل دیرآمدست، دیربفاست
 کز تمامیست کارِ عمر تمام لاله زود آمد و سبک برخاست
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۳۱/۱)

این ابیات از آغاز مثنوی هفت پیکر، بخش «ستایش سخن و حکمت و اندرز»، اخذ شده اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۶۳۹).

۱۹- روز شنبه که دیر شماسی خیمه زد در سواد عباسی
 جمع بدخواه را پریشان ساخت به فراغت بساط عیش انداخت
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۹۴/۱)

بیت اول این شعر از داستان «نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم اول» انتخاب شده است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۶۹۵)؛ ولی بیت دوم در هفت پیکر مطبوع دیده نشد.

۲۰- به قناعت کسی که شاد بود تا بود، محتشم نهاد بود
 آن که با آرزو کند خویشی عاقبت او فتد به درویشی
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۱۷/۱)

این ابیات نیز از داستان «نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم اول» انتخاب شده اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۷۰۸).

۳- ۱- ۵- اسکندرنامه

اسکندرنامه نظامی از دو بخش شرفنامه و اقبالنامه تشکیل شده است. شرفخان از هر دو بخش ابیاتی را انتخاب کرده و در شرفنامه گنجانده است.

۳-۱-۵-۱- شرفنامه

۲۱- سری کز تو گردد بلند[ی] آگرای به افکنند کس، نیفتد ز پای
کسی را که قهر تو در سر فکند به پامردی کس نگردد بلند
اگر پای پیل است، اگر پر مور به هریک تو دادی ضعیفی و زور
دلی را فروزان کنی چون چراغ نهی بر دل دیگر از درد، داغ
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۰۷/۱ - ۴۰۸)

سه بیت اول از ابیات آغاز شرفنامه (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۹۱۳) و بیت آخر از ابیات آغاز اقبالنامه، هر دو، تحت عنوان «به نام ایزد بخشاینده»، برگزیده شده‌اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۱۴).

۲۲- محمد کازل تا ابد هر چه هست به آرایش نام او نقش بست
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳/۲)

این مورد نیز از ابیات آغاز شرفنامه نظامی، تحت عنوان «در نعت خواجه کاینات» گرفته شده است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۹۱۷).

۲۳- چنین آمد از هوشیاران روم که زاهد زنی بود زان مرز و بوم
ز آبستنی، روز بیچاره شد ز شوی و ز شهر خود آواره شد
به ویرانه‌ای بار بنهاد و مُرد غم طفل می‌خورد و جان می‌سپرد
وزانش خبر نه که پروردگار چگونه ورا پرورد وقت کار
چه گنجینه‌ها زیر بارش کشد! چه اقبال‌ها در کنارش کشد!
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۷۹/۱)

این ابیات از «آغاز داستان و نسب اسکندر» اخذ شده‌اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۹۴۴).

۲۴- به گلزار گیتی درختی نرُست که ماند از جفای تبرزین دُرُست
وزین باغ رنگین چو پُر تدرُ نه گل در چمن ماندخواهد، نه سرو
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۹۳/۱)

بیت اول از داستان «خراج خواستن دارا از اسکندر» (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۹۷۸) و بیت دوم از داستان «رفتن اسکندر به غار کیخسرو» انتخاب شده است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۰۷۰).

۲۵- بگو: ای سخن، کیمای تو چیست؟ عیار تو را کیمیا ساز کیست؟
که چندین نگار از تو برساختند هنوز از تو حرفی نپرداختند
اگر خانه سوزی، قرارت کجاست؟ ور از در درآیی، دیارت کجاست؟
ز ما سر برآری و با ما نه‌ای نمایی به ما نقش و پیدا نه‌ای
ندانم چه مرغی، به این نیکویی! ز ما یادگاری که مانی، تویی
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۳۴/۱ - ۳۳۵)

این ابیات از داستان «به پادشاهی نشستن اسکندر در اصطخر»، انتخاب شده‌اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۰۲۹).

۲۶- بهشتی شده بیشه پیرامنش
گراینده بویش به آسودگی
همه ساله ریحان آن سبز شاخ
علف‌گاه مرغان این کشور اوست
زمینش به آب زر آغشته‌اند
دیگر کوثری بسته در دامنش
فروشته از خاکش آلودگی
همیشه درو ناز و نعمت فراخ
اگر شیر مرغت ببايد، دروست
تو گویی درو زعفران کشته‌اند
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۵۴)

بدلیسی این ابیات را از «داستان نوشابه، پادشاه بردع» برگزیده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۰).

۳- ۱- ۵- ۲- اقبالنامه

۲۷- به هر مدتی گردش روزگار
سراهنگ پیشینه کژرو کند
به طرز دیگر خواند آموزگار
نواي دیگر در جهان نو کند
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۱۴۹)

این ابیات از آغاز اقبالنامه، قسمت «تازه کردن داستان و یاد دوستان» انتخاب شده‌اند (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۱۷).

۲۸- مکن کار بدگوهران را بلند
مشو نرم‌گفتار با زبردست
که پروردنِ گرگت آید گزند
که الماس را نیز بایسد شکست
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/۲۴۶)

بیت اول در ضمن خردنامه ارسطو (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۸۲) و بیت دوم در ضمن خردنامه سقراط آمده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۹۲).

۲۹- چو وقت رحیل آید از رنج و درد
هر آن میوه کو بود دردناک
بهبانه برآرد زمانه ز مرد
هم از جنبش خویش افتد به خاک
چو تن مُرد و اندام سیمین بسود
کفنِ عطر و تابوت روین^۱ چه سود؟
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/۲۵۴ - ۲۵۵)

دو بیت اول از ذیل عنوان «وصیت‌نامه اسکندر» (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۳۲) و بیت آخر از ذیل عنوان «سوگندنامه اسکندر به سوی مادر» اخذ شده‌است (ر.ک. نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۴۰).

۳- ۱- ۵- ۳- فقره مشترک با جامی

بدلیسی در پایان جلد اول شرفنامه برای نصیحت فرزندش، بلندترین فقره شعر کتاب خود را که متشکل از ۳۷ بیت است، نقل می‌کند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۵۶/۱ - ۴۵۸). نکته جالب در مورد این شعر آن است که علی‌رغم تصریح مؤلف مبنی بر اینکه این اشعار را از خردنامه جامی نقل کرده، بعضی از ابیات آن اثر یادشده نیست. از این ۳۷ بیت، ۲۹ بیت از خردنامه جامی و ۶ بیت از اسکندرنامه نظامی گرفته شده‌است و مأخذ ۲ بیت دیگر نامعلوم است. ۲۹ بیتی که از جامی نقل شده، به دلیل اشاره

۱. کذا در متن اصلی (ظاهراً روین درست است).

شرف‌خان به نام سراینده آن، موضوع این پژوهش نیست؛ لذا به آن ۶ بیت می‌پردازیم که از اسکندرنامه نظامی (بخش اقبالنامه) اخذ شده‌اند. این ابیات، سه موردِ دوبیتی هستند که به ترتیب زیر، از دو خردنامه سقراط و افلاطون گرفته شده‌اند.

خردنامه سقراط در اقبالنامه نظامی:

۳۰- چو روز سیاست دهی بار عام
میفکن نظر بر حریفانِ خام
نباید کزان لهو گستاخ کن
رود با تو گستاخی در سخن
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۸۹)

خردنامه افلاطون در اقبالنامه نظامی:

چو بر رشته‌کاری افتد گره
شکبائی از جهدِ بیهوده به
همه کارها از فروبستگی
گشاید، و لیکن به آهستگی
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۸۸)

خردنامه سقراط در اقبالنامه نظامی:

سخن تا توانی به آزم گوی
که تا مستمع گردد آزم‌جوی
سخن گفتنِ نرم، فرزانیگست
درشتی نمودن ز دیوانگیست
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۹۱)

۳-۲- جامی

جامی با ۸۴ بیت (۳۲ بیت بامآخذ و ۵۲ بیت بی‌مآخذ) در صدر سرایندگانی قرار دارد که سروده‌هایشان در شرفنامه آمده‌است. علاوه بر شعری ۲۹ بیتی که شرف‌خان برای تربیت فرزند خود از خردنامه جامی انتخاب نموده و یک شعر سه بیتی دیگر که شرف‌خان به تصریح از جامی نام برده‌است (ر.ک. بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۵۶/۲)، موارد متعدّد دیگری از سروده‌های جامی در شرفنامه آمده‌است که به سراینده آن‌ها هیچ اشاره‌ای نشده‌است. تعداد ابیات این موارد ۵۲ بیت و به شرح زیر است.

۳-۲-۱- تحفه‌الاحرار

شرف‌خان در بیان احوالش، جامی‌آسا به خود نهیب می‌زند:

۳۱- جامی از آرایش تن پاک شو
در قدمِ پاک‌روان خاک شو
شاید از آن خاک به گردی رسی
گرد شکافی و به مردی رسی
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۴۹/۱)

بدلیسی این ابیات را از تحفه‌الاحرار، مقاله چهارم انتخاب کرده‌است (ر.ک. جامی، بی‌تا: ۴۰۴). تخلص «جامی» در آغاز این دو بیت، معرف سراینده آن است؛ ولی شرف‌خان به نام اثری که این سروده را از آن اخذ کرده، هیچ اشاره‌ای نکرده‌است و می‌دانیم که تعداد آثار منظوم و منثور جامی (ترکیبی از نظم و نثر؛ مثل منشآت و بهارستان) زیاد و یافتن منبع این ابیات مشکل است؛ از این رو جزو سروده‌های بی‌مآخذ محسوب شد.

۳-۲-۲- یوسف و زلیخا

۳۲- پری رو تاب مستوری ندارد ببندی در، ز روزن سر برآرد

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۶/۲)

این بیت از بخش «در بیان آنکه هریک از جمال و عشق مرغیست از آشیانه وحدت پریده و بر شاخسار مظاهر کثرت آرمیده ...» انتخاب شده است (ر.ک. جامی، بی تا: ۵۹۲).

۳۳- هزار اسبِ نکوشکلِ خوش اندام	به گاهِ پویه تند و وقت زین رام
اگر سایه فکندی تازبانه	بیرون جستی ز میدانِ زمانه
چو وحشی گور در صحرا تکاور	چو آبی مرغ در دریا شناور
	(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۹۲/۱)

شرف‌خان این ابیات را از بخش «نسیم قبول از جانب مصر وزیدن و محمل زلیخا را چون عماری گل به مصر کشیدن» برگزیده است (ر.ک. جامی، بی تا: ۶۲۲).

۳۴- بحمدالله که دولت یاریم کرد	زمانه ترکِ جان‌آزاریم کرد
شیم را صبح فیروزی برآمد	غم و رنج شبانروزی سرآمد
	(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۱۳/۱)

این ابیات از بخش «به معرض بیع درآوردن مالک، یوسف را علیه‌السلام و خریدن زلیخا وی را به اضعاف آنچه دیگران می‌خریدند» انتخاب شده‌اند (ر.ک. جامی، بی تا: ۶۴۹ - ۶۵۰).

۳۵- معاذالله که کاری پیشه سازم (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۸۶/۱).

این مصراع نیز از مثنوی یوسف و زلیخا اخذ شده است (ر.ک. جامی، بی تا: ۶۶۴).

۳۶- چه جشنی! بزمگاه خسروانه	هزارش ناز و نعمت در میانه
ز شربت‌های رنگارنگِ صافی	چو نور از عکس در ظلمت، شکافی
بلورین جام‌ها لبریز کرده	به ماء‌الورد عطرآمیز کرده
ز زرین‌خوان، زمینش مطرح خور	ز سیمین کاسه‌ها، برجی پر از اختر
درو از خوردنی‌ها هر چه خواهی	ز مرغ آورده حاضر تا به ماهی
پی حلواش داده نیکوان وام	ز لب شکر، ز دندان مغز بادام
ز تخته تخته حلواهای رنگین	بنای قصر حُسنش بود شیرین
برای فرش در صحن وی افکند	هزاران خشت از پالوده قند
ز تازه میوه‌های تر و نایاب	سبدها باغبان پر کرده از آب
نکرده هیچ نادرین تصوّر	کز آب آید بیرون زینسان سبد پر
	(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۲۷/۱)

این ابیات از حکایت «در دست از دهان بازداشتن زنان مصر و زبان طعن بر زلیخا کشیدن و به تیغ غیرت عشق دست و زبان ایشان بریدن» به شرفنامه بدلیسی راه یافته‌اند (ر.ک. جامی، بی‌تا: ۶۹۰).

ز شب بسته هزاران وصله بر روز	تکاور ابلقی چون چرخ فیروز
شکن در کاسه بدر از سُم او	گره بر خوشه چرخ از دُم او
به چرخ اندر نشستی چون مه نو	اگر نعلش پریدی در تک و دو
به یک جستن پریدی گرم چون برق	گرش میدان شدی از غرب تا شرق
به گردش باد صرصر کی رسیدی؟	اگر گردش به بازویش کشیدی

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۷۳/۱)

این ابیات از حکایت «آمدن زلیخا به سر راه یوسف علیه‌السلام و از نی خانه‌ای ساختن تا از آواز گذشتن سپاه وی خرسندی یابد» انتخاب شده‌اند (ر.ک. جامی، بی‌تا: ۷۱۹).

۳-۲-۳- دیوان جامی

لعل آتش‌رنگ بر کف، لعل؛ در دل، اخگر است	زر بُود در جیب مار و؛ میل او در جان و بال
صفر چون خالی، ز ارقام عدد بالاتر است	بهر رفعتِ یوم‌الحساب

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۰۶/۱)

این ابیات از دیوان جامی، قصیده «14 - ا» به شرفنامه بدلیسی وارد شده‌اند (ر.ک. جامی، ۱۳۴۱: ۲۰).

ز صولجانِ قضا منقلب ز حال به حال	۳۹- منم چو گوی به میدانِ فُسحت، مه و سال
بدان مثابه که باشد طبیعتِ اطفال	نخست باز فتادم به پشت یک چندی
به مهد تربیتم بسته دست و پا به دوال	نکرده هیچ گنه، لیک چون گنهکاران
دهان ز خوردن بند و زبان ز گفتن لال	قدم ز رفتن لنگ و کف از گرفتن شُل
نیامده به دهان شیر صافیم چو زلال	ز نوک هر مژه خون جگر بیفشانده
به پایه‌ای که یمین را جدا کنم ز شمال	وزان پسم نرسیده هنوز قوتِ عقل
عنایتِ پدرِ مشفقِ حمیده‌خصال	ز حجرِ مرحمتِ مادرم کشید به خیر
به پایِ طبعِ من از عقل، او نهاده عقل	به دستِ صنعِ معلّم سپرد دستِ مرا
ز حرف‌های هجا تخمِ علم و فضل و کمال	فشانده جانِ مرا در زمینِ استعداد
ره نظر به عروسانِ عنبرین پر و بال	گشاده باصره را از نقوشِ خطیشان
به منتهای بیان در مجاری اقوال	رساند ناطقه را در وجودِ لفظیشان
چو رهروی که به پایش نهاده‌اند شِکال	ز حرفِ حرفِ کلام هجاکنان گذراند
شدم روانه به مقصد، به گام استعجال	در آن سبق چو زبانم شِکال را برداشت
عبورداد برین منهج و برین منوال	ز «با»ی بسمله تا ختم «سین» ناس، مرا
ممارسان فنون را فتاده در دنبال	درآمدم پس از آن در مقام کسبِ علوم

ز نحویان طلبیدم قواعد اعراب ز صرفیان شنویدم قواعد اغلال
 ز علم فقه و اصولش تمام دانستم که چیست مستند حکم هر حرام و حلال
 شد از روآت حدیث و اثر، مرا روشن ره پیمبر و آیین صحب و سیرت آل
 نشد ز علم مُجَرَّد چو کام من حاصل بر آن شدم که کنم آن علوم را اعمال
 صغیر ذکر زدم بالعشی و الاشراف ندیم فکر شدم بالغدو و الاصل
 ز ذکر و فکر رسیدم به مشهدی که گرفت حجاب کون ز وجه حقیقت، اضمحلال
 وجود واحد و نور بسیط را دیدم عیان به صورت اضوا و هیأت اظلال
 نمود کثرت ظاهر ز وحدت باطن به سان ذروه آتش ز شعله جوال
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۴۴۷-۴۴۸)

این ابیات از دیوان جامی، قصیده «38 - II» با عنوان «شرح بال به شرح حال»، انتخاب شده‌اند (ر.ک. جامی، ۱۳۴۱: ۵۹ - ۶۱).

۴۰- چون او ندیده دیده آیام، قرن‌ها روشن‌دلی، دقیقه‌شناسی، سخنوری
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۲۶۰)

بدلیسی این بیت را از بند پنجم ترکیب‌بند «2 - II» برگزیده که در بالای آن نوشته شده «در مرثیه برادر است این» (ر.ک. جامی، ۱۳۴۱: ۱۱۷).

۴۱- «صید را چون اجل آید، سوی صیاد رود» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/۲۴۵).

شرف‌خان این مصراع را از مقطع غزل «482 - I» انتخاب کرده‌است (ر.ک. جامی، ۱۳۴۱: ۳۵۶).

۳-۲-۴- نامه‌ها و منشآت جامی

۴۲ و ۴۳- کدام دوحه اقبال سر به چرخ کشید که صرصر اجلش عاقبت ز بیخ نکند؟
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۹۴-۹۵)

بدلیسی این بیت را از رقعۀ ۴۰۵ اخذ (ر.ک. جامی، ۱۳۷۸: ۲۶۶) و پس از حدود هفتاد صفحه، به مناسبت دیگری در شرفنامه تکرار کرده‌است، از این رو دو مورد محسوب گشته‌است (ر.ک. بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۱۷۲).

۳-۳- سعدی

در میان شاعرانی که بدون ذکر مأخذ، در شرفنامه بیشترین استناد به سروده‌های آن‌ها صورت گرفته، سعدی با ۱۶ بیت در جایگاه سوم قرار دارد.

۳-۳-۱- گلستان

۴۴- وقت ضرورت چو نمائد گریز دست بگیرد سر شمشیر تیز
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۹۲)

این بیت از کتاب گلستان، باب اول، حکایت یکم برگزیده شده‌است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۷۶).

۴۵- بالای سرش ز هوشمندی می تافت ستاره بلسدی
 این بیت از باب اول، حکایت پنجم اخذ شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۸۲).

۴۶- هر که با پولادبازو، پنجه کرد
 ساعدِ سیمینِ خود را رنجه کرد
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۹۰/۱)

این بیت نیز از باب اول، حکایت بیست و یکم برگزیده شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۹۷).
 ۴۷- خوی بد در طبیعتی که نشست
 نرود تا به روز مرگ از دست
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۸۹/۱)

این بیت از باب دوم، حکایت چهل و چهارم انتخاب شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۱۳۹).
 ۴۸- به لطافت چو برنیايد کار
 سر [به] بی حرمتی کشد ناچار
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۸۱/۱)

این بیت از باب سوم، حکایت بیستم اخذ شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۱۵۲).
 ۴۹- دست دراز از پی یک حبه سیم
 به که بپرند به دانگی و نیم
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۴/۱)

این بیت از باب سوم، حکایت بیست و ششم برگزیده شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۱۵۵).

۳-۳-۲ بوستان

۵۰- مر او را رسد کبریا و منی
 یکی را به سر برنهد تاج بخت
 که ذاتش قدیمست و مُلکش غنی
 یکی را به خاک اندرآرد ز تخت
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۰۵/۱)

بدلیسی این ابیات را از دیباچه بوستان انتخاب کرده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۲۴۷).

۵۱- خدایا، به رحمت نظر کرده‌ای
 چه گویم در اوصاف این سرفراز؟
 که این سایه بر خلق گسترده‌ای
 خدایا، تو این سایه پاینده دار!
 دعاگوی این دولتتم، بنده وار
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۵/۱)

بیت اول و سوم در باب اول، حکایت اول، به همان صورت ضبط شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۲۶۵)، ولی
 بیت دوم در نسخ چاپی بوستان دیده نشد.

۵۲- نصیحت که خالی بود از غرض
 چو داروی تلخ است، دفع مرض
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۶۷/۱)

این بیت از باب اول، حکایت یازدهم انتخاب شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۲۸۲).

۵۳- چو دولت نبخشد سپهر کهن نیاید به زورآوری در کمند

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۹۵/۱)

این بیت از مقدمه باب پنجم برگزیده شده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۳۶۸).

۳-۳-۳- طبیات

۵۴- چه کند بنده که گردن نهد فرمان را؟ (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۵۹/۱).

این شعر، مصراع اول مطلع یکی از غزل‌های سعدی در طبیات است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۵۶۲).

۳-۳-۴- کتاب صاحبیه

۵۵- تا نمیرد یکی به ناکامی دیگری شادکام نشیند

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۲۳/۱)

بدلیسی این بیت را از کتاب صاحبیه، اثر سعدی، برگزیده است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۸۶۶).

۳-۳-۵- قطعات

۵۶- علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۶/۲ - ۳۷).

سعدی در قطعات گوید:

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد دروغ سود ندارد چو رفت کار از دست

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۹۷)

۳-۳-۶- رباعیات

۵۷- تا یک سر موی در تو هستی باقیست غافل منشین؛ که بت پرستی باقیست

گویی بُت پندار شکستم، رستم آن بُت که ز پندار شکستی، باقیست

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۶۰/۱)

این شعر، سی‌امین رباعی از رباعیات سعدی است (ر.ک. سعدی، ۱۳۷۴: ۹۱۱).

۳-۳-۴- حافظ

در گروه شاعران بی‌مأخذ شرفنامه، حافظ با ۸ بیت و یک مصراع، در جایگاه چهارم قرار دارد.

۵۸- فلک به مردم نادان دهد زمام مُراد تو اهل دانش و فضلی، همین گناهت بس

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۸۹/۱)

بدلیسی این بیت را از میانه‌های غزل شماره ۲۶۹ دیوان حافظ اخذ کرده است. (ر.ک. حافظ، ۱۳۷۴: ۳۶۴).

۵۹ و ۶۰- شکر خدا؛ که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای همت خود کامران شدم
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۹۸/۱)

این بیت، دومین بیت از غزل شماره ۳۲۱ دیوان حافظ است (ر.ک. حافظ، ۱۳۷۴: ۴۳۴). البته این بیت حدود ۵۵ صفحه بعد، مجدداً در شرفنامه به کار رفته است (ر.ک. بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۵۵/۱). لذا دو مورد محسوب شده است.

۶۱- ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم
وز بدی حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۲۸/۱)

این بیت مطلع غزل شماره ۳۶۶ دیوان حافظ است (ر.ک. حافظ، ۱۳۷۴: ۴۹۸).

۶۲- خوش به جای خویشتن بود این نشست خسروی
تا نشیند هر کسی اکنون به جای خویشتن
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۰۵/۱)

این شعر، بیت دوم از غزل شماره ۳۹۰ دیوان حافظ است (ر.ک. حافظ، ۱۳۷۴: ۵۳۰).

۶۳- یا رب دعای خسته دلان مستجاب کن (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۶/۲).

این شعر آخرین مصراع غزل شماره ۳۹۵ دیوان حافظ است (ر.ک. حافظ، ۱۳۷۴: ۵۳۸).

۶۴- تخم وفا و مهر درین کهنه کشت‌زار
آنکه شود عیان که رسد موسم درو
شکل هلال در سر مه می‌دهد نشان
از افسر سیامک و فر کلاه‌زو
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۵۵/۱)

این ابیات از میانه‌های غزل شماره ۴۰۶ دیوان حافظ به شرفنامه راه یافته‌اند (ر.ک. حافظ، ۱۳۷۴: ۵۵۲).

۶۵- تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف
مگر اسباب بزرگی همه آماده شود
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۰۵/۱)

این بیت از میانه‌های غزل شماره ۴۸۱ دیوان حافظ انتخاب شده است (ر.ک. حافظ، ۱۳۷۴: ۶۵۵).

۳-۵- وحشی بافقی

مثنوی‌های وحشی بافقی از دیگر منابع مورد مطالعه و توجه شرف‌خان است:

۳-۵-۱ ناظر و منظور

۶۶- دو منزل را یکی می‌کرد و می‌رفت (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۸/۱).

این مصراع در مثنوی ناظر و منظور وحشی بافقی، مصراع دوم یک بیت است. در ناظر و منظور آمده است:
که چون «منظور» دور از لشکری گشت
خروشان همچو سیل افتاد در دشت
ز دل می‌کرد آه سرد و می‌رفت
دو منزل را یکی می‌کرد و می‌رفت
(بافقی، ۱۳۴۷: ۴۵۹)

۳-۵-۲- فرهاد و شیرین

۶۷- هوایش اعتدال از جان گرفته
زمین‌هایش ز آبِ ابر شُسته
بساطش در نقابِ گلِ نهفته
گلش چون گلرخان پرورده ناز
رسیده سبزه‌هایش تا کمرگاه
اگر مرغی به شاخش آرمیدی،
نم از سرچشمه حیوان گرفته
درو گل‌های رنگارنگ رسته
گل و لاله است کاندرا هم شکفته
نوای بلبلاش عشق‌پرداز
درختانش زده بر سبزه خرگاه
گشادی سایه‌اش بال و پریدی
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۳۶/۱ - ۳۳۷)

این شعر از داستان «گفتار در رفتار خادمان شیرین به طلب نزهتگاه دلنشین و پیدانمودن دشت بیستون و خبردادن شیرین را» انتخاب شده است (ر.ک. بافقی، ۱۳۴۷: ۵۲۴ - ۵۲۵).

۳-۶- سلمان ساوجی

سلمان ساوجی از شاعران مورد توجه شرف‌خان است؛ زیرا بیشترین اشعار بامآخذ شرفنامه از اوست. از او ۴ بیت بی‌مآخذ در شرفنامه آمده است.

۶۸- صبح ظفر از مشرق امید برآمد
اصحاب غرض را شب سودا به سر آمد
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۰۴/۲)

این بیت از مطلع قصیده‌ای که سلمان ساوجی «در مدح شاه شیخ اویس» سروده، برگزیده شده است (ر.ک. ساوجی، ۱۳۳۶: ۴۷۹).

۶۹ الف و ب- آسمان ساخت در آفاق یکی سور، چه سور؟! که از آن سور شد اطراف ممالک معمور
اجتماعیست منور قمری را با شمس اتصالیست مقرب ملکى را با حور
مهد بلقیس زمان داشته‌است ارزانى به سراپرده جم دولت تشریف حضور
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۵۶/۱)

این ابیات که از یک قصیده سلمان ساوجی اخذ شده‌اند (ر.ک. ساوجی، ۱۳۳۶: ۵۰۲ - ۵۰۳)، در جلد اول شرفنامه، بدون اشاره به منبع نقل شده‌اند؛ ولی شرف‌خان در جلد دوم شرفنامه، نام سراینده آن (سلمان) را آورده و نوشته است: «خواجه سلمان درین باب می‌گوید» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۵۸/۲ - ۵۹). اگر خواننده تنها جلد نخست شرفنامه را بخواند، از نام سراینده آن مطلع نمی‌شود. از این رو دو مورد محسوب و برای هر دو مورد، یک شماره (۶۹ الف و ب) منظور و فقره «۶۹ الف» بی‌مآخذ حساب شده است.

۳-۷- سنایی

آثار سنایی نیز از منابع مورد توجه مؤلف شرفنامه است:

۳-۷-۱- حدیقه الحقیقه

۷۰- هر کرا کوشش از برای خداست
کارها جز خدای نگشاید

همه کارش ز ایزد آید راست
به خدا گر ز بنده هیچ آید

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۲۹/۱)

بیت دوم در حدیقه الحقیقه سنایی ضبط شده است (ر.ک. سنایی، ۱۳۷۷: ۱۰۸)؛ ولی بیت اول در نسخه چاپی حدیقه یافت نشد. بنابراین فقط یک بیت آن در حساب سروده‌های بامأخذ لحاظ گردید.

۳-۷-۲- دیوان سنایی

۷۱- یکی از چشم دل بنگر بر آن زندان خاموشان
سر زلف عروسان را چو شاخ نسترن یابی

که تا یاقوت گویان را به تابوت از چه سان بینی؟
رخ گلرنگ شاهان را چو رنگ زعفران بینی

که تا بر هم زنی دیده، نه این بینی، نه آن بینی
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۱۳/۱)

بدلیسی ابیات این مورد را از قصیده مشهور سنایی با مطلع «دلا تا کی درین زندان فریب این و آن بینی؟» برگزیده است (ر.ک. سنایی، ۱۳۵۴: ۷۰۹ - ۷۱۰).

۳-۸- هلالی جغتایی

از میان مثنوی‌های هلالی جغتایی (مقتول: ۹۳۶ هـ. ق.)، مثنوی صفات العاشقین او منبع مطالعه شرف‌خان بوده است.

۷۲- بیا ای سست‌همت، این چه سستی است؟
در اول، دانه زیر گل برآید

طریق رهروان گرمی و چستی است
چو همت دارد، آخر سر برآرد

که گه را می‌کشد، بی جنبش دست
که همت کوه را بردارد از راه

چه جای کهربا و جنبش‌گاه؟
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۹۵/۱ - ۳۹۶)

بدلیسی این ابیات را از باب هفتم مثنوی صفات العاشقین با عنوان «در همت که کوه را از جای برداشتن است و کام دل از شیرین لبان یافتن و جوانان را وادار به کوشش ساختن» برگزیده است (ر.ک. جغتایی، ۱۳۷۵: ۲۹۵ - ۲۹۶).

۳-۹- عربشاه یزدی

عمادالدین عربشاه یزدی، از دانشمندان و شاعران قرن هشتم هجری است که مثنوی مونس العشاق او یکی دیگر از آثار مورد توجه شرف‌خان است.

۷۳- احوال جهان ز فتنه یکسر
 دهر از متکبران جبار
 چون طرّه دلبران مشمر
 در سلسله بلا گرفتار
 هم لشکر فتنه فوج در فوج
 هم لجه غصه موج در موج
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۷/۱)

ابیات این مورد، از کتاب *مونس/العشاق*، ذیل عنوان «فی نعت النبی علیه الصلاه و السلام» اخذ شده‌اند (ر. ک. عریشاه یزدی، ۱۳۷۰: ۴۶).

۳- ۱۰- قاسم انوار

قاسم انوار از شاعران نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم هجری است که اشعار او یک بار بامآخذ و دو بار بی‌مآخذ در شرفنامه آمده‌است.

۷۴- ز سیر و سلوک تو جبریل واماند
 که یارد که (با) تو کند هم‌عنانی؟
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴/۱)

بیت بالا، بیت هفتم از غزلی ده‌بیتی در *دیوان قاسم انوار* است (ر. ک. انوار، ۱۳۳۷: ۳۱۲).

۷۵- آفرینش به طریقی که نهادست، نکوست
 نظر هر که خطا دید، هم از عین خطاست
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۸/۱)

بیت بالا، دهمین بیت از غزلی یازده‌بیتی در *دیوان قاسم انوار* است (ر. ک. انوار، ۱۳۳۷: ۳۵۰).

۳- ۱۱- امیر شاهی سبزواری

از دیگر سرایندگان پارسی‌گوی که مورد توجه شرف‌خان بوده، امیر آق ملک بن جمال‌الدین فیروزکوهی سبزواری، متخلص به «شاهی»، از غزلسرایان معروف قرن نهم هجری است.

۷۶ و ۷۷- دلا، مجوی ز ابنای دهر چشم وفا
 که در جبهت این هم‌رهان مروّت نیست
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۴۲/۱)

بدلیسی این بیت را از غزل شماره ۳۳ *دیوان امیرشاهی سبزواری* برگرفته‌است (ر. ک. سبزواری، ۱۳۴۸: ۱۷) و ۱۹۰ صفحه بعد، همین شعر را تکرار کرده‌است (ر. ک. بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۳۳/۱)؛ از این رو دو مورد به‌شمار آمده‌است.

۳- ۱۲- بابا افضل

۷۸- دنیا که درو ثبات کم می‌بینم
 چون کهنه رباطیست که از هر طرفش
 در هر حرفش هزار غم می‌بینم
 راهی به بیابان عدم می‌بینم
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۸/۱)

این دو بیت، رباعی شماره ۴۲۲ از *دیوان باباافضل کاشانی* است (ر. ک. باباافضل، ۱۳۶۳: ۱۴۴).

۳-۱۳- مجد همگر

۷۹- از رفتن شمس، از شفق خون بچکید
 مه روی بکند و زهره گیسو ببرید
 شب جامه سیه کرد در آن ماتم و صبح
 برزد نفسِ سرد و گریبان بدرید
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۹/۱)

بدلیسی این رباعی را از دیوان مجد همگر گرفته است (ر.ک. همگر، ۱۳۷۵: ۷۹، ۹۹، ۱۳۸ و ۱۳۵).

۳-۱۴- بابافغانی شیرازی

۸۰- مُجرّدانِ تو از یاد غیر خاموش اند
 به خاطری که تویی، دیگران فراموش اند
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۴۶/۱)

این بیت در تذکره تحفه سامی به عنوان مطلع یکی از اشعار بابافغانی شیرازی نقل شده است (ر.ک. صفوی، بی تا: ۱۷۶).

۳-۱۵= خواجهی کرمانی

۸۱- دل درین پیرزنِ عشوه گر دهر میند
 کین عروسیست که در عقد بسی داماد است
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۲/۱)

این بیت از میانه یکی از غزلیات خواجهی کرمانی انتخاب شده است (کرمانی، بی تا: ۳۹۳).

۳-۱۶= شاه شجاع

۸۲ الف و ب- کردیم دو حصّه تا بیاساید خلق
 من روی زمین گرفتم، او زیر زمین
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۲۹/۱)

بدلیسی در جلد اول شرفنامه، این بیت را بدون اشاره به سراینده آن، نقل کرده است؛ ولی مجدداً در جلد دوم، آن را همراه با بیت دیگری نقل کرده و درباره سراینده آن نوشته است: «وفات امیر شاه محمودبن امیر مبارزالدین محمد هم درین سنه [۷۷۶] اتفاق افتاد. شاه شجاع از استماع این اخبار این رباعی انشا کرد» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۶۲/۲)؛ از این رو فقط مورد اول (۸۲ الف)، بی مآخذ لحاظ شد.

۳-۱۷ ظهیر فاریابی

۸۳- جهان رباط خرابست در گذرگه سیل
 گمان مبر که به یک مشت گل شود معمور
 (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۵۲/۱ - ۳۵۳)

بدلیسی این بیت را از یکی از قصاید ظهیرالدین فاریابی گرفته که آن را در طلب غفران و آمرزش سروده است (ر.ک. ظهیر فاریابی، ۱۳۸۸: ۹۹).

۳- ۱۸- عبید زاکانی

۸۴- چو تیره شود مرد را روزگار همه آن کند، کش نیاید به کار
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۸۴/۲)

مؤلف شرفنامه این شعر را از باب چهارم کتاب *اخلاق/الاشراف* عبید زاکانی اخذ کرده است (ر.ک. زاکانی، بی تا: ۲۰۵).

۳- ۱۹- محمد عصار

۸۵- ز سنگ انداز او سنگی که جستی پس از قرنی سر کیوان شکستی
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۰۳/۲)

این بیت در تذکره تحفه سامی به «محمد عصار» نسبت داده شده است (ر.ک. صفوی، بی تا: ۱۳۱).

۳- ۲۰- مولانا عبدالله هاتفی

۸۶- کجک بر دهل فتنه انگیز شد ز بانگِ دهل، فتنه گر تیز شد
قطاسِ ستورانِ زرینه زینِ همی کرد جاروبِ میدانِ کین
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۶۵/۱)

دهخدا به نقل از *آندراج*، بیت اول را از آن هاتفی دانسته است (ر.ک. دهخدا، ۱۳۳۶: ۳۷۴/۳۷).

۳- ۲۱- مولوی

مثنوی معنوی مولانا اثر دیگری است که از دید شرفخان دور نمانده است.
۸۷- ای خوشا چشمی که آن گریان تُست! وی همایون دل که آن بریان تُست!
(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۳/۱)

بدلیسی این بیت را از مثنوی معنوی برگرفته است (ر.ک. مولانا، ۱۳۷۴: ۳۵).

۴- مقایسه آماری اشعار شرفنامه بدلیسی با تاریخ بیهقی و نقشه المصداور

در این بخش از مقاله، اشعار با ماخذ و بی ماخذ شرفنامه را با تاریخ بیهقی و نقشه المصداور از نظر آماری مقایسه می کنیم:

نام اثر	زبان	تعداد	کل اشعار	ابیات	کل ابیات	درصد کل ابیات	درصد ابیات	تعداد ابیات	تعداد ابیات	درصد ابیات	درصد ابیات	درصد ابیات	تعداد ابیات	تعداد ابیات	درصد ابیات
تاریخ بیهقی	فارسی	۳۲۷	۴۶۲	۳۲۰	۴۱/۵	۹/۷۴	۸/۹۳	۷	۲/۱۴	-	-	۲۹	۶/۲۷	۲۹	۶/۲۷
	عربی	۱۳۵	۹۵/۵	۵	۷/۷۴	۱	۹	۳۹/۵	۲۹/۲۵	۱۷/۵	۳/۷۸	۲۹	۶/۲۷	۲۹	۶/۲۷
نقشه المصدور	فارسی	۸/۵	۱۹/۵	۳	۵	۳/۶۳	۲/۶۲	۷۹/۵	۹۶/۳۶	۳۵/۵	۱۸/۶۳	۶۱	۳۲/۲۰	۶۱	۳۲/۲۰
	عربی	۱۰۸	۲	۲	۱/۸۵	۳/۶۳	۲/۶۲	۱۰۶	۹۸/۱۴	۸۹	۴۶/۷۱	۶۱	۳۲/۲۰	۶۱	۳۲/۲۰
شرفنامه بدلیسی	فارسی	۵۴۶	۵۵/۵	۱۳/۵	۱۴۸	۲/۱۵	۲/۶۹	۴۰۶/۵	۷۳/۳۰	۱۸۷	۳۳/۷۲	۲۱۹/۵	۳۹/۵۹	۲۱۹/۵	۳۹/۵۹
	عربی	۷	۷	۷	۱۰۰	۲/۱۵	۲/۶۹	-	-	-	-	۲۱۹/۵	۳۹/۵۹	۲۱۹/۵	۳۹/۵۹
	ترکی	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱۰۰	۲/۱۵	۲/۶۹	-	-	-	-	۲۱۹/۵	۳۹/۵۹	۲۱۹/۵	۳۹/۵۹

جدول بالا نشان می‌دهد که بیهقی دقت خاصی در ذکر منبع اشعار تاریخ خود داشته؛ ولی زیدری تنها در حدود سه درصد از منابع اشعار نقشه‌المصدور را مشخص کرده‌است.

۵- نتیجه‌گیری

شرفنامه یکی از متون تاریخی - ادبی است که پدر تاریخ‌نگاری کرد، امیر شرف‌خان بن شمس‌الدین بدلیسی، آن را در سال ۱۰۰۵ هـ. ق. در قلمرو عثمانی به زبان فارسی نگاشت. این اثر جدای از اهمیت تاریخی والایی که دارد، از جنبه ادبی نیز دارای اهمیت است. یکی از وجوه اهمیت ادبی آن استفاده بسیار از سروده‌های شاعران پارسی‌گوی است. بدلیسی جمعاً در دو جلد شرفنامه ۲۳۴ قطعه شعر آورده‌است. از این میان، تنها ۲ مورد عربی و ۲ مورد ترکی است. بنابراین در شرفنامه ۲۳۰ قطعه شعر فارسی وجود دارد. به سخن دیگر، از ۵۵۴/۵ بیت مندرج در شرفنامه، ۱/۵ بیت ترکی، ۷ بیت عربی و ۵۴۶ بیت فارسی است. اشعار بامآخذ جلد اول ۷۴/۵ بیت و اشعار بامآخذ جلد دوم ۷۳/۵ بیت هستند. بنابراین شرف‌خان تنها سراینده ۱۴۸ بیت (۲۶/۶۹ درصد) را مشخص کرده و سراینده ۷۳/۳ درصد اشعار فارسی شرفنامه نامعلوم است. ۳۰ شاعر پارسی‌گوی سرایندگان این ۱۴۸ بیت هستند. در این گروه سلمان ساوجی با ۳۸ بیت، جامی با ۳۲ بیت، مولانا ادریس حکیم با ۱۳ بیت، کمال‌الدین اسماعیل با ۸ بیت و مولانا عبدالخلق خیزانی با ۸ بیت در صدر قرار دارند. با پژوهش حاضر منبع و مآخذ ۸۷ فقره دیگر (۱۸۷ بیت) معلوم و ۱۴ سراینده دیگر از سرایندگان اشعار شرفنامه شناسایی

شد. تعداد آثار این ۱۴ شاعر که شرف‌خان از آن‌ها استفاده کرده، ۳۶ اثر است که نام آن‌ها در متن مقاله مندرج است و از تکرار آن پرهیز می‌شود. شایان ذکر است بیش از ۵۰ درصد این آثار؛ یعنی ۱۹ اثر، از پنج شاعر (سعدی، نظامی، جامی، وحشی بافقی و سنایی به ترتیب، ۶، ۵، ۴، ۲ و ۲ اثر) است. حال اگر منابع تاریخی فارسی، عربی و ترکی مورد استناد مؤلف را - که موضوع اصلی کار اوست و خیلی هم زیاد هستند - به دیوان‌ها و آثار این ۴۴ شاعر (۳۰ شاعر بامأخذ و ۱۴ شاعر بی‌مأخذ) بیفزاییم، انبوهی حجم آثار مورد بررسی و گستردگی میدان مطالعه شرف‌خان روشن می‌شود و تا حدودی کثرت اطلاع و پرمایگی نویسنده شرف‌نامه را نشان می‌دهد.

در دسته سراینده‌های بی‌مأخذ، نظامی با ۷۳ بیت (۳۵ بیت از *اسکندرنامه*، ۱۶ بیت از *لیلی* و *مجنون*، ۱۲ بیت از *خسرو و شیرین*، ۵ بیت از *مخزن‌الاسرار* و ۵ بیت از *هفت‌پیکر*) بیشترین بازتاب را داشته است. جامی با ۵۲ بیت (۲۶ بیت و یک مصراع از *دیوان*، ۲۱ بیت و یک مصراع از *یوسف و زلیخا*، ۲ بیت از *تحفه‌الاحرار* و ۲ بیت دیگر از نامه‌ها و منشآت جامی) مرتبه دوم را داراست. سعدی با ۱۶ بیت در جایگاه سوم قرار دارد. این ابیات از آثار مختلف سعدی اخذ شده‌اند؛ *گلستان* و *بوستان*، هر کدام با ۶ بیت در صدر قرار دارند و ۴ بیت دیگر از *طبیات*، *کتاب صاحبیه*، *قطعات* و *رباعیات* اوست. حافظ با ۸ بیت و یک مصراع در جایگاه چهارم قرار دارد. وحشی بافقی نیز با ۶ بیت و یک مصراع، پنجم است. به دنبال اینان می‌توان به شاعران بزرگ دیگری چون *سلمان ساوجی*، *سنایی*، *هلالی جغتایی*، *عربشاه یزدی*، *باباافضل کاشانی*، *قاسم انوار*، *امیر شاهی*، *مولانا هاتفی* و *مجد همگر* اشاره کرد که از هر کدام ۲ تا ۴ بیت نقل شده است. بعد از این‌ها نیز شاعرانی چون *باباافغانی شیرازی*، *خواجوی کرمانی*، *محمد عصار*، *ظهیر فاریابی*، *عبید زاکانی*، *شاه شجاع* و *مولوی* قرار می‌گیرند که از هر کدام یک بیت نقل شده است. در پژوهش حاضر سراینده ۳۳/۷۲ درصد از سروده‌های بی‌مأخذ شرف‌نامه معین شده است. اگر این عدد را به ۲۶/۶۹ درصدی که خود مؤلف مأخذ آن‌ها را معلوم کرده، بیفزاییم؛ به عدد ۶۰/۴۱ درصد می‌رسیم. لذا اکنون سراینده ۲۱۹/۵ بیت (۳۹/۵۹ درصد) از سروده‌های مندرج در شرف‌نامه نامعلوم است. نگارندگان احتمال می‌دهند بعضی از این ابیات سروده خود شرف‌خان باشند؛ زیرا دست‌کم ابیاتی که به مناسبت پایان جلد اول و دوم کتاب آورده، سروده خود اوست. همچنین بعضی دیگر از این اشعار - همان گونه که خود شرف‌خان در مواردی تصریح نموده - سروده شاعران کرد است (شرف‌خان متأسفانه از ذکر نام سراینده خودداری کرده) که احتمالاً نسخ خطی دیوان‌هایشان در کتابخانه‌های گوشه و کنار جهان، به‌ویژه ترکیه چشم به راه پژوهشگرانی هستند که گرد فراموشی از رخسارشان بزدایند. امید است که پژوهش حاضر راه را به سوی شناسایی و معرفی بیشتر سراینده‌گان این اشعار باز کند. مقایسه آماری ابیات بامأخذ و بی‌مأخذ شرف‌نامه با دو اثر تاریخی پیش از خود (*تاریخ بیهقی* و *نقشه‌المصدر*) نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاران اولیه، مثل اصحاب حدیث، دقت خاصی در ذکر منبع خود داشتند. به عنوان نمونه، *بیهقی* از ۴۶۲ بیت، تنها مأخذ ۴۶/۵ بیت (۱۰/۰۶ درصد) را مشخص نکرده است؛ ولی در دوران نثر فنی، معرفی منبع سروده‌ها به‌کلی نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال، *خُرنَدزی زیدری* نسوی بیش از ۹۷ درصد اشعار تضمین‌شده در *نقشه‌المصدر* را بی‌مأخذ رها کرده است. به نظر می‌رسد در اوایل قرن یازدهم هجری و هم‌زمان با نگارش شرف‌نامه، از افراط دوران نثر فنی کاسته شده و آثار منثور در معرفی مأخذ اشعار، به سوی تعادل گام برمی‌دارند.

منابع

- انوار، قاسم (۱۳۳۷). کلیات قاسم انوار، با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران: سنایی.
- باباافضل، حکیم افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی (۱۳۶۳). دیوان و رساله المفید للمستفید، بررسی و مقابله و تصحیح از مصطفی فیضی و حسن عاطفی و عباس بهنیا و علی شریف، تهران: زوآر.
- باقی، وحشی (۱۳۴۷). دیوان کامل وحشی باقی، ویراسته حسین نخعی، تهران: امیرکبیر.
- بدلیسی، شرف‌خان بن شمس‌الدین (۱۳۷۷). شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان) (ج ۱ و ۲)، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، تهران: اساطیر.
- بدلیسی، شرف‌خان (۲۰۱۷). شرفنامه (ج ۱)، ترجمه صلاح‌الدین آشتی، سقز: گوتار.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۴۱). دیوان کامل جامی، ویراسته هاشم رضی، تهران: پیروز.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد (۱۳۷۸). نامه‌ها و منشآت جامی، تصحیح عصام‌الدین اورون بیف و اسرار رحمانوف، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- جامی خراسانی، استاد نورالدین عبدالرحمان بن احمد (بی‌تا). مثنوی هفت‌وزنگ، به تصحیح و مقدمه آقا مرتضی مدرس‌گیلانی، تهران: سعدی.
- جغتایی، هلالی (۱۳۷۵). دیوان، به تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران: سنایی، چاپ سوم.
- حاجیان‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۵). «مآخذ اشعار عربی جلد چهارم تاریخ و صاف». نامه فرهنگستان، سال پانزدهم، شماره ۳، صص ۳۰ - ۶۴.
- حافظ، مولانا شمس‌الدین محمد (۱۳۷۴). دیوان غزلیات حافظ شیرازی، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ پانزدهم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۶). لغت‌نامه، جلد سی‌وهفتم، تهران: سیروس.
- زاکانی، عبید (بی‌تا). کلیات عبید زاکانی، با تصحیح و مقدمه عباس اقبال آشتیانی، بی‌جا.
- ساوجی، سلمان (۱۳۳۶). دیوان، با مقدمه تقی تفضلی و به اهتمام منصور مشفق، تهران: صفی‌علیشاه.
- سبزواری، امیرشاهی (۱۳۴۸). دیوان، به تصحیح و حواشی و مقدمه سعید حمیدیان، تهران: ابن سینا.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۷۴). کلیات سعدی، با مقدمه و تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: نشر طلوع.
- سنائی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۷۷). حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- (۱۳۵۴). دیوان، با مقدمه و حواشی و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: انتشارات سنایی.
- صفوی، سام میرزا (بی‌تا). تذکره تحفه سامی، تصحیح و مقدمه از رکن‌الدین همایونفرخ، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد (۱۳۸۸). دیوان، به تصحیح و مقدمه محسن آثارجوی، تهران: سنایی.

عربشاه یزدی، عمادالدین (۱۳۷۰). *مونس‌العشاق*، به کوشش سیده محموده هاشمی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

کاردگر، یحیی و اکبر گلابیان (۱۳۹۸). «پیوندهای محتوایی و معنایی ابیات تضمین‌شده کلیله‌ودمنه با متن». *نشرپژوهی ادب فارسی*، سال ۲۲، دوره جدید، شماره ۴۵، صص ۱۷۱ - ۱۹۰.

کرمانی، خواجه (بی تا). *دیوان کامل خواجه‌جوی کرمانی*، با مقدمه مهدی افشار، تهران: چاپخانه ارژنگ.

مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۴). *مثنوی معنوی*، تهران: نغمه، چاپ دوم.

نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۸). *کلیات نظامی گنجوی*، به اهتمام پرویز بابایی (مطابق با نسخه تصحیح‌شده وحید دستگردی)، جلد اول و دوم، تهران: نشر علم، چاپ سوم.

همگر، مجد (۱۳۷۵). *دیوان مجد همگر*، به تصحیح و کوشش احمد کرمی، تهران: انتشارات «ما».